

## دانشمند محقق عبدالعظیم یمینی

## شعر چیست

## رابطه طولی وزن و قافیه

در مقام بررسی روابط طولی وزن و قافیه اشاره باین نکته ضروری است که قافیه جالبترین موضوع مورد بحث در شعر امروز بمعنی وسیع و کامل آن است زیرا از مجموع گفتگوهای که در سنوات اخیر بعمل آمده این نتیجه گرفته میشود که تنها موضوع مورد اختلاف وجود قافیه است زیرا

۱- در اینکه شعر باید موزون باشد ظاهراً اختلاف نیست و همه عقیده دارند که شعر باید دارای وزن باشد و مخالفان این نظر که بسیار اندکند در بیوزنی نیز بسراغ نوعی وزن میروند.

۲- در مورد قالب قابل شناسائی نیز اختلافی بچشم نمی خورد زیرا همه معتقد بضرورت چنین قالبی هستند النهایه عده‌ای از طرفداران شعر فارسی قوالب موجود را کافی برای بیان اندیشه و انتقال عواطف و احساسات شاعر میدانند و عده‌ای نیز نه تنها ابتکار قوالب جدید را مفید بلکه کاری لازم و ضروری و در شان ادبیات و شعر امروز می‌شمارند و مخالفان آنها نیز منکر ضرورت قالب نیستند منتهی از قالب تعریف خاصی دارند که گرچه هنوز فورمه و شکل یافته نیست ولی در هر حال بهیچ وجه ضرورت قالب قابل شناسائی را برای شعر نفی نمیکنند.

۳- در مورد محتوی و مضمون نیز مطلقاً اختلافی وجود ندارد زیرا نه طرفداران مرحوم نیما یوشیج منکر زیبایی و رسائی مضامین اساتید متقدم هستند و نه طرفداران شعر کلاسیک ضرورت خلق مضامین تازه و متناسب با مقتضیات امروز را نفی میکنند.

هر دو دسته معتقدند مضامین شعر ضرورتاً از مقتضیات حیات فردی و خصوصیات محیط اجتماعی شاعر سرچشمه میگیرد و شاعر امروز باید متناسب با عصر و زمان امروز سخن بگوید و بخلق مضمون بپردازد با این ترتیب تنها چیزی که بعنوان موضوع مورد اختلاف باقی می ماند این است که طرفداران شعر کلاسیک میگویند شعر باید قافیه هم داشته باشد و طرفداران نیما میگویند قافیه افساری است برگردن اندیشه و احساس شاعر و او را بدنبال خود میکشد و نمونه‌هایی ارائه میکنند که اساتید بزرگ سخن فارسی مراتب انزجار خود را از وجود قافیه در شعر ابراز داشته‌اند. (۱)

و جای افسوس و اندوه است که بخاطر این اختلاف رای منورترین افراد کشور ما بی‌اترین نوع ممکن بهم اهانت میکنند. (۱)

وقتی که از چهار رکن شعر فارسی که عبارتند از: محتوی و قالب و وزن و قافیه در ضرورت سه رکن اختلافی وجود نداشته باشد جنگ و ستیز و اهانت و افتراء درباره نفی و اثبات یا سود و زیان رکن چهارم کاری عبث و غیر لازم است.

۱- معمولاً در این مورد فقط بغزلی از مولوی استناد میکنند بمصرع: قافیه اندیشم و دلدار من... الخ

۱- جراندو مجلات سالهای اخیر مخصوصاً نشریات ماههای دی و بهمن سال ۱۳۵۰ ملاحظه شود

اگر قیافه باعتبار اصول مورد استناد این نوشته واقعاً در جهت زیباسازی ظرف سیاله ذهن آدمی متولد شده و مولودی سالم و طبیعی است خودش از حیات و موجودیت و ضرورت وجود خود دفاع میکند و حتی در ذهن نو پردازان نیز تدریجاً جای خود را باز می‌نماید و اگر چنین نیست به پیروی از نظام طبیعت خود بخود می‌میرد و جای خود را به عناصر و عواملی که باید در جهت زیباسازی قالب سیاله اندیشه انسان عمل کنند می‌سپارد بدون اینکه قتل عمدی و قطع رشته حیات آن به شمشیر شاعر نمایان امروز ضرورت داشته باشد.

تعریف وزن و قافیه در شعر به تعریف خود شعر بستگی و ارتباط کامل دارد در تعریف شعر اجمالاً دیدیم که:

شعر باعتبار واقعیت خود کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین قالب سیاله ذهن آدمی است و سیاله‌ای که در این قالب ریخته میشود همان (تفکرات شاعرانه) است و با بررسی استقرائی و مرحله به مرحله ملاحظه شد که عناصر سازنده این تعریف در بطن شعر وجود دارد و دقت در ساختمان شعر و واقعیت خارجی آن خود بخود بکشف این تعریف منجر میشود و چیزی نیست که (من‌عندی) ساخته شده باشد:

با این تعریف شاید ظاهراً کافی باشد که در مقام تعریف وزن و قافیه گفته شود که:

وزن ظرفیت داخلی قالب شعر و قافیه جدار خارجی این قالب است. و تردیدی نیست که با این تعریف ادامه بحث درباره وزن و قافیه و لزوم یا عدم لزوم آن موردی نخواهد داشت زیرا وقتی که شعر را بهترین و زیباترین قالب

سیاله ذهن شاعر بنامیم طبعاً نمیتوانیم این قالب را فاقد ظرفیت و جدار بشناسیم ولی چون توجیه و تعریف شعر و وزن و قافیه باین صورت خاص، صرفاً نظر نویسنده است اعلام ختم موضوع و امتناع از طرح نظریات شخصیت‌های صاحب‌نظر اگر مولود خودخواهی نباشد ناشی از خود فریبی خواهد بود بعلاوه اصولاً هدف این نوشته تحقیق کامل و بحث و نقد توأم بایی طرفی است و تحقق این هدف میسر نیست مگر اینکه رای و نظر صاحب‌نظران موافق و مخالف مورد بررسی قرار گیرد:

بطوریکه میدانیم در این مورد به بیان نظریه طرفداران شعر کلاسیک حاجتی نیست زیرا آنها وجود وزن و قافیه را از ضروریات لایتنک شعر فارسی می‌شناسند. پس باید در این زمینه درباره رای و نظر صاحب‌نظرانی که وزن و پیش از وزن قافیه را زنجیری بگردن اندیشه و احساس شاعر میدانند گفتگو کرد.

آیا واقعاً قافیه بمنزله آپاندیس پیکر شعر است و باید آن را قطع کرد و بدور انداخت.

آیا حقیقه قافیه بمنزله طنابی است که شاعر را بدنبال خود می‌کشد و براهی می‌برد که بهیچوجه هدف و غرض شعر و شاعر نیست؟

جواب این سؤال مستلزم این است که یک بررسی وسیع و کلی درباره ساختمان شعر فارسی بعمل آید. میدانیم شعر فارسی معمولاً و عموماً مقفی است ولی این بدان معنی نیست که همه اشعار فارسی صرفاً به تبعیت و بضرورت قافیه ساخته شده و هیچ شاعر طبق میل و اراده خود نتوانسته است نیات اصیل و واقعی خود را بیان کند و رعایت قافیه هرگز اجازه نداده است شاعر آزادانه

به بیان اندیشه خود پردازد .

البته عکس این قضیه هم درست نیست بدین معنی که نمیتوان گفت تمام عبارات مفقای موجود واقعا و بمعنی صحیح کلمه بهترین قالب اندیشه های دقیق شاعرانه ایست که بمدد خلاقیت ذهن و قدرت طبع و قریحه شاعر در ظرف ظریف و زیبای شعر ریخته شده است .

نمونه های زیادی در هر دو مورد وجود دارد که اشاره و استناد بآنها خارج از ظرفیت این نوشته و غیر مقدور و غیر لازم است .

روبهم رفته از لحاظ قافیه پردازی میتوان همه اشعار فارسی را بدو دسته بزرگ تقسیم نمود .

۱ - دسته ای که برای قافیه پردازی و بمنظور تفنن ساخته شده و هدف گوینده جز هنرنمایی لفظی چیزی نیست مانند قطعات و قصائد و انواع مختلف اشعاری که غالبا مشحون از صنایع شعری است .

گرچه در این اشعار هدف ظاهری ستایش ممدوح است ولی چون اصالت اعتقاد به ممدوح معمولا قابل تردید میباشد میتوان پذیرفت که نظر اصلی گویندگان فضل فروشی یا نشان دادن قدرت قریحه و استعداد ادبی و حد استحقاق موقعیت اجتماعی بوده و از این کار قصد مادی بمنظور تامین معیشت خود یا حداقل نجات از گرفتاری داشته اند .

در این قبیل اشعار بفرض که گاهی اندیشه های دقیق و زیبای شاعرانه تجلی کند باز تسلط صنایع سنگین آن بر روی تفکرات شاعرانه کاملا محسوس است و این احاطه و تسلط لفظ بر معنی بجدی است که موضوع شعر اعم از اینکه مدح و ثنایا عشق و اندرز و غیره باشد بکلی تحت تاثیر صنایع شعری

قرار میگیرد و بهمین دلیل باسانی نمیتوان گوینده آن را با همه مهارت ادبی بمعنی دقیق کلمه شاعر شناخت زیرا اندیشه شاعرانه او بجای اینکه رها و آزاد باشد و گسترده و همه جانبه در جهت انتخاب و جذب قالب طبیعی و متناسب خود فعالیت نماید فقط در قلمرو محدود صنایع شعری تلاش میکند و در زندان وزن و قافیه و صنعت شعر محبوس میماند البته در این زمینه موارد بسیار قلیلی را باید مستثنی نمود زیرا گویندگان بزرگ و نامداری بودند که نوانستند توام با صنایع شعری زیباترین اندیشه های شاعرانه را به بهترین نحو ممکن بیان کنند بعضی از قصائد و قطعات بسیار درخشان شعر و بعضی از (ماده تاریخ) ها را میتوان از این موارد استثنائی و در زمره شاهکارهای شعر فارسی شناخت .

این دسته از اشعار با وجود ارزش فوق العاده ادبی از لحاظ کمیت بسیار اندکند و بطوریکه در مباحث گذشته گفته شد جزء هنرهای تزیینی شعر فارسی محسوب میشوند . (۳)

شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

۱- ماده تاریخ دقیق ترین و قوی ترین و پیچیده ترین نوع شعر فارسی و نشان دهنده کمال قدرت گوینده در کار انتقال اندیشه شاعرانه در ظرف کلمات است و بهمین دلیل است که ماده تاریخ هائی که در بهترین قالب با زیباترین کلمات و عالی ترین اندیشه و متناسبترین تطبیق عرضه شده باشد چنان بسرعت جای خود را در اذهان و افکار عمومی باز میکند که اندیشه بیان شده از طرف شاعر محک قضاوت درباره شخصیت قهرمان ماده تاریخ قرار میگیرد. گاهی بعضی از ماده تاریخها بیش از چندین دیوان قطور در جامعه اثر میگذارد و قرنها دست بدست و سینه بسینه منتقل میشود.

این نوع شعر با مشخصات ویژه خود ظاهراً در شعر و ادبیات اروپائی سابقه ندارد.

۲- به قسمت های گذشته این نوشته مبحث ، (قالب و محتوی) توجه فرمائید.

هرچه در دسته اول استعداد و قریحه و حتی اندیشه و افکار تحت تاثیر قالب و اسیر وزن و قافیه است .

در دسته دوم قضیه معکوس است بدین معنی که وزن و قافیه اسیر قدرت طبع و خلاقیت ذهن شاعر است از نشانه‌های بارز این قدرت و خلاقیت در دسته دوم یکی اینست .

که بفرض صنایع ادبی در این دسته از اشعار بکار رفته باشد چنان دقیق و استادانه است که خواننده نمیتواند بلافاصله وجود صنعت را درک کند و حتی قوافی و صنایع چنان دقیق و منطبق و باصطلاح (جا افتاده) است که خواننده تصور میکند اگر همان قافیه خاص بکار گرفته نمیشد شاعر بخوبی یا باآسانی قادر به بیان اندیشه نبود. میتوان از اشعار حافظ در این مورد عالی‌ترین نمونه‌ها را ارائه نمود .

وجه مشخص نوابغ شعر فارسی تنها مربوط به صنایع شعری یا قافیه پردازی نیست در وزن نیز این برجستگی و امتیاز بچشم میخورد در اشعار بزرگان سخن فارسی گاهی برابری مصرع‌ها چنان متناسب برای بیان اندیشه است که خواننده خیال میکند اگر قوالب اندیشه یا ابعاد و حجم ظروف سیاله ذهن متناسب هم نبودند انتقال جوهر مذاب ذهن شاعر باین زیبایی و یکدستی میسر نبود در این مورد نیز از مثنوی‌های نظامی و غزلیات سعدی بهترین و عالی‌ترین نمونه‌ها را میتوان بدست آورد .

(ادامه دارد)